**عيد فطر روز پيروزى بر طاغوت نفس**

نويسنده:محمد محمدى اشتهاردى

واژه «عيد» از ريشه عود گرفته شده‌و به معناى بازگشت است، و واژه « فطر» از فطرت‌گرفته شده و به معناى سرشت است. بنابراين عيد فطر; يعنى بازگشت‌به فطرت و سرشت.   
بازگشت از اين نظر كه آيا رابطه ما با فطرت پاك انسانى به طور صحيح برقرار است‌يا نه؟ آيا آن اعماق روح و فطرت پاكى كه خداوند به ما داده و بر اثر حجاب‌هاى‌جهل، انحراف و گناه، زنگار بر رويش نشسته، در كلاس ماه رمضان زنگارها زدوده‌شده‌اند يا نه؟ كه اگر چنين است‌بايد ابتداى نجات و آغاز پيروزى بر طاغوت نفس رادر نماز عيد فطر اعلام بدارند و جشن بگيرند. به عنوان اين كه: آن چه را در ماه‌رمضان آموخته‌اند و در راه خودسازى و بهسازى به كار برده‌اند ابراز بدارند، باكلمات و حركات، بلكه در قلب و درون، با تمام وجود و احساس، و با شعار آميخته باشعور و فرياد برون و درون كه:   
« الله اكبر، الله اكبر، لا اله الا الله و الله اكبر و لله الحمد والحمدلله على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا; خدا بزرگ‌تر از آن است كه توصيف‌گردد. آرى چنين است، معبودى جز خداى يكتا و بى‌همتا نيست، و خدا بزرگ‌تر از آن‌است كه وصف شود، حمد و سپاس اختصاص به ذات پاك خدا دارد به خاطر آن كه ما رادر راستاى پاكسازى و بهسازى هدايت كرده، و شكر او را كه جمعيت ما و امت ما رابرترين جمعيت و امت قرار داده است.» رمضان اندك اندك پايان مى‌پذيرد، و به‌انتهاى خود مى‌رسد، مسلمانان در مكتب رمضان و روزه، در پرتو آيات قرآن و نيايش‌هاو تقويت صبر و اراده، پس از فراگيرى و آموزش به خودسازى پرداخته‌اند; اينك جشن‌مى‌گيرند كه در راه پر دست‌انداز جهاد اكبر، با گام‌هاى استوار عبور كرده‌اند و به‌مقصود رسيده‌اند. چرا كه براى انسان بازگشت‌به خويشتن، فرا رسيدن بهار معنويت‌است; مانند درختانى كه پس از گذران زمستان سرد زمستانى، به بهار رسيده‌اند و درمسير حركت قرار گرفته‌اند، به راستى چه عيدى شيرين‌تر و چه پيروزى‌اى شكوهمندتر ازبازگشت‌به خويشتن، و پيروزى بر طاغوت نفس اماره؟ كه فطرت را زير پاى سهمگين خود منكوب كرده است.   
چهار عيد در اسلام در اسلام به طور رسمى چهار عيد وجود دارد كه عبارت‌اند از:   
عيد قربان، عيد غدير، عيد جمعه و عيد فطر، عيد قربان جشن ايثار و فداكارى است،و مسلمان در اين رابطه به خويشتن باز مى‌گردد كه آيا به باطن و ماهيت چنين عيدى‌رسيده است‌يا نه آن گونه كه ابراهيم خليل(ع) قهرمان توحيد رسيد، و حسين بن‌على(ع) آن را در كربلا تكميل كرد. عيد غدير جشن ولايت و امامت است و انسان مسلمان‌با ژرف‌انديشى به خويشتن مى‌نگرد كه آيا انتخاب او در مسئله بسيار مهم رهبرى،صحيح بوده است‌يا نه؟ كه در بينش اسلام ناب، مسئله بسيار عميقى است، و از اركان‌زيربنايى نظام اسلام است، كه اگر او نباشد هيچ يك از مفاهيم اسلام، ارزش و اصالت‌خود را نمى‌توانند نشان دهند. عيد جمعه بازگشت‌به خويشتن است كه نقش اساسى درپيشبرد اهداف، و وصول به مقصود دارد، و به راستى كه برقرارى اتحاد و يك‌رنگى وهمدلى مسلمانان، وسيعترين و ژرف‌ترين بركات را براى آنها به ارمغان خواهد آورد.   
ولى آيا مى‌دانيد كه اگر عيد فطرت و خودسازى نباشد، عيدهاى ديگر تكميل نخواهدشد. اگر چنين عيدى در زندگى انسان تحقق يابد همه روز، روز عيد است چنان‌كه‌اميرمومنان على(ع) فرمود: «انما هو عيد لمن قبل الله صيامه و شكر قيامه، و كل‌يوم لا يعصى الله فيه فهو عيد; (1) امروز تنها عيد كسانى است كه روزه آنها در پيشگاه‌خدا پذيرفته شود، و عبادت‌هاى شبانه آنها مورد پذيرش خداوند شده باشد، و هر روزى‌كه گناه نكنى روز عيد تو است.» حضرت على(ع) اين سخن را از سرچشمه وحى گرفته‌بود، چرا كه وقتى خطبه رسول خدا(ص) را در مسجد پيرامون فضايل ماه رمضان شنيد، از آن حضرت پرسيد: «بهترين كار در ماه رمضان چيست؟» پيامبر(ص) پاسخ داد:   
«الورع عن محارم الله عزوجل; (2) ورع و پرهيزكارى از آن چه خداوند حرام نموده است‌مى‌باشد; يعنى همان خودسازى و بازگشت‌به فطرت پاك توحيدى‌».

مسئله عيد و فطرت در قرآن

براى اين كه مسئله «بازگشت‌به فطرت‌» را كه ماهيت‌عيد فطر را تبيين مى‌كند، بهتر بفهميم و به اهميت آن، بهتر و عميق‌تر پى ببريم،مسئله عيد و فطرت را به طور خلاصه از ديدگاه قرآن، مورد بررسى قرار مى‌دهيم.   
در قرآن مجيد كلمه عيد يك بار آمده، كه در رابطه با حضرت عيسى(ع) و حواريون وشاگردان مخصوص او است، به اين ترتيب كه: آن شاگردان مخصوص براى تكميل ايمان خودبه عيسى(ع) گفتند: «آيا پروردگار تو مى‌تواند غذايى از آسمان (مائده) براى مابفرستد؟» حضرت عيسى(ع) از اين تقاضا كه بوى شك و ترديد مى‌داد، نگران شد و به‌آنها فرمود:   
«از خدا بترسيد اگر ايمان داريد.» ولى به زودى حضرت عيسى(ع) دريافت كه‌مقصود آنها مشاهده معجزه بزرگ از عيسى(ع) است، تا در پرتو ديدار آن، قلبشان پاك‌و سرشار از اطمينان و يقين گردد، از اين رو به خدا عرض كرد: «اللهم ربنا انزل‌علينا مائده من السماء تكون لنا عيدا لاولنا و آخرنا و آيه منك; (3) خداوندا مائده‌اى از آسمان بر ما بفرست تا عيدى براى اول و آخر ما باشد و نشانه‌اى از تو.   
» و از آن جا كه روز نزول مائده روز بازگشت‌به پيروزى و پاكى و ايمان به خدابوده است، حضرت مسيح(ع) آن را «عيد» ناميده است، و مطابق روايات چون‌«مائده‌» در روز يك شنبه نازل شده، مسيحيان اين روز را مانند جمعه مامسلمانان، روز عيد مى‌دانند و تعطيل مى‌كنند. نتيجه اين كه در قرآن كلمه «عيد» به عنوان تكميل ايمان، و وصول به مرحله يقين كه اساس خودسازى است، مطرح شده است. بنابراين ما كه پيرو قرآن هستيم، بايد به مسئله عيد به عنوان محور پاكسازى وبهسازى بنگريم. عيد فطر وقتى براى ما عيد واقعى است كه در مسير خودسازى، پيروزشده باشيم، و تحول عميقى در ما پديدار شده باشد.   
اما در مورد فطرت، بايد توجه داشت كه قرآن با صراحت، خداشناسى و دين رامسئله‌اى فطرى مى‌شمرد. آيات متعددى در قرآن به اين مطلب دلالت دارد، از جمله درآيه 30 روم مى‌خوانيم: «فاقم وجهك للدين حنيفا فطره الله التى فطر الناس عليهالاتبديل لخلق الله ذلك الدين القيم; اى پيامبر! روى خود را متوجه آيين خالص‌پروردگار كن، اين فطرتى است كه خداوند انسان‌ها را بر آن آفريده، دگرگونى درآفرينش خدا نيست.» اين آيه با صراحت‌بيان كننده آن است كه دين اسلام بر اساس‌فطرت و سرشت و نهاد انسان مى‌باشد، و دستورهاى آن همه و همه هماهنگ با درون ذات‌وجود انسان است، و اگر فطرت از دستبرد جهل، خرافات، تبليغات غلط و تربيت‌هاى‌ناسالم، محفوظ باشد، همان را مى‌خواهد كه آيين ناب اسلام آن را مى‌خواهد، و خداوندآئينش را بر اساس نيازهاى فطرى بشر تدوين نموده است. و اگر انسان داراى فطرت‌نخستين، به دور از حجاب‌ها و زنگارها باشد، بدون هيچ‌گونه ترديد و دغدغه، راه‌توحيد و دستورهاى صحيح الهى را مى‌پسندد و برمى‌گزيند، معناى جهاد اكبر و مبارزه‌بى‌امان با طاغوت نفس اين است كه پرده‌ها و حجاب‌ها و زنگارها را از روى فطرت پاك‌برداريم و آن را پيروى كنيم.   
فطرت در تعبيرات دانشمندان بر دو گونه است: فطرت عقل و فطرت دل.   
فطرت عقل يعنى استدلال روشن عقلى، كه انسان بعد از رسيدن به كمال عقل بامشاهده نظام جهان و دقت در اسرار هستى، بى‌درنگ به اين حقيقت منتقل مى‌شود كه‌محال است، اين نظام و اسرار شگفت‌انگيز معلول مبدئى فاقد عقل و شعور باشد و اين‌«عقل فطرى‌» بدون نياز به استاد و معلم به مقصود مى‌رسد، ولى فطرت مفهوم ديگرى‌نيز دارد كه از آن تعبير به «فطرت دل‌» مى‌شود، كه تفسير فطرى بودن دين با اين‌تعبير، صحيح‌تر و مناسب‌تر به نظر مى‌رسد. و منظور از آن اين است كه انسان وقتى به‌اعماق جانش مى‌نگرد، نور حق را مى‌بيند، و ندايى را با گوش دل مى‌شنود، ندايى كه‌او را به سوى مبدا علم و قدرت بى‌نظير هستى دعوت مى‌كند، كه گاهى از آن تعبير به‌«درك وجدانى‌» مى‌شود، مانند آن كه وقتى انسان يك گل زيبا را مى‌بيند، بدون‌مقدمه و استدلال به زيبايى آن پى مى‌برد و از آن لذت مى‌برد. اينك پس از اين بيان‌به اصل بحث‌باز مى‌گرديم كه «عيد فطر» به معناى بازگشت‌به فطرت است، يعنى‌مساله جهاد اكبر و خودسازى در ماه رمضان، انسان را به مقامى مى‌رساند كه‌پرده‌هاى جهل، هواپرستى و خرافات و هرگونه موانع ضد فطرت، از سر راه فطرت‌برداشته مى‌شود، و انسان مسلمان در اين هنگام به فط‌رت ناب خود كه از درون ذات‌وجودش مى‌جوشد باز مى‌گردد، همان فطرتى كه آيينه صاف خدانما و حق نما است; همان‌پيامبر باطن كه اگر از اسارت زنجيرهاى جهل و هواپرستى آزاد گردد، راهنماى كامل‌و دقيق انسان به سوى كمالات است. و به طور روشن موجب سعادت انسان مى‌گردد.   
هرگاه انسان در پرتو فيوضات و بركات ماه رمضان و عبادت روزه، به اين درجه‌رسيد، به حقيقت مفهوم عيد فطر رسيده است، و آغاز ماه رمضان در واقع براى او عيداست و بايد جشن پيروزى بگيرد، وگرنه هرگز براى او عيد نخواهد بود.   
جالب اين كه در آيه مذكور، دين « قيم‌» و استوار و به عبارت ديگر خالص و ناب،آن دينى است كه با فطرت بى‌آلايش و سالم آميخته شده باشد.   
نكته قابل توجه اين كه شواهد زنده متعدد عينى وجود دارد كه نشان‌دهنده فطرى‌بودن ايمان به حق است; مانند واقعيت‌هاى تاريخى كه نشان مى‌دهد، در ميان هر ملتى‌در هر دوره‌اى اعتقاد به خداشناسى و مذهب وجود داشته است، چنان‌كه شواهدباستان‌شناسى و آثار و علائم به جا مانده از دوره‌هاى قبل از تاريخ بيان كننده اين‌واقعيت است.  
مطالعات روانى و اكتشافات روان‌كاوى در ابعاد روح انسان نيز شاهد ديگرى برفطرى بودن اعتقادات دينى است، روان‌شناسان چهار تمايل عالى و اصيل را به عنوان‌ابعاد چهارگانه روح معرفى مى‌كنند كه عبارت‌اند از حس دانايى، حس زيبايى، حس‌نيكى، و حس مذهبى. كه اين خود نيز دريچه ديگرى بر فطرى بودن دين است. (4)   
شاهد ديگر بر واقعيت فطرى بودن دين حق، «ناكامى تبليغات ضد مذهبى‌» است، كه‌در همه جاى دنيا مشاهده مى‌شود، فروپاشى شوروى و كمونيسم در عصر حاضر يكى ازنمونه‌هاى آن است.   
و هم چنين تجربيات شخصى در سختى‌هاو رنج‌ها شاهد ديگر بر توجه انسان به خواست‌فطرت يعنى خداجويى و پناه آوردن به حق است، كه در قرآن در آيات گوناگونى به اين‌مطلب اشاره شده است.   
اين بحث را با چند گفتار از پيامبر(صلی الله علیه واله) و امامان معصوم(علیهم السلام) پايان مى‌بريم:   
در حديث معروفى از پيامبر اكرم(صلی الله علیه واله) مى‌خوانيم فرمود: «كل مولود يولد على‌الفطره حتى ليكون ابواهما اللذان يهودانه و ينصرانه; (5) هر نوزادى بر فطرت اسلام ودين خالى از شرك آفريده شده است، و رنگ‌هايى همچون يهوديت و نصرانيت انحرافى است‌كه از طريق پدر و مادر به آنها انتقال مى‌يابد.» و امير مومنان در ضمن گفتارى‌مى‌فرمايد: «فبعث فيهم رسله، و واتر اليهم انبيائه لتستادوهم ميثاق فطرته; (6) خداوند رسولان خود را به سوى انسان‌ها فرستاد و انبياى خود را يكى پس از ديگرى‌ماموريت داد تا وفاى به پيمان فطرت را از آنها مطالبه كند.» نتيجه اين كه‌نبايد فطرت را كه همانند آيينه خدانما و حق‌جو، در درون، ما را راهنمايى مى‌كند،و آيين حق را نشان مى‌دهد به باد فراموشى بسپاريم، بلكه بايد در پرتو جهاد اكبربه ويژه در ماه رمضان خود را به اين مرحله برسانيم تا از اين پيامبر و چراغ‌فروزان درون بهره‌مند گرديم. 

پى‌نوشت‌ها

1- سيد رضى، نهج البلاغه، حكمت‌428.   
2- شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا، ج‌1، ص‌295.   
3- مائده (4- آيه 114.   
4- شرح اين مطلب در كتاب «حس مذهبى يا بعد چهارم روح انسانى‌» ترجمه مهندس‌بيانى آمده است.   
5- علامه طبرسى، تفسير جمع الجوامع، ذيل آيه 30 روم.   
6- سيد رضى، نهج البلاغه، خطبه اول.